

تاتی و کرینگان (بکر اول و دوم)

قریه کرینگان در محال دیزمار واقع و باقریه (اوشدین) سه فرسخ و باشهر تبریز ۱۴ فرسخ فاصله دارد. قراء و منازلیکه در سر راه تبریز به کرینگان قرار گرفته بترتیب عبارتند از (آناخاتون) - (شیرینجه) - (شور دره) - (نوروز آباد) (یامستی بولاق) - (شاه دوزلاقی) - (قوو و شوق شیطان آباد) - (گلزار) - (گلوچه) - (مشکمبر) (الیرت) - (لجین) - (برخواران) - (شرفه) - (ایزاوان) - (ملک) - (کرینگان) و از کرینگان به (سردو) و (وینستان) که از قراء حسنو میباشد میرود. محصول عمده کرینگان گندم و جرز و چاودار و گردو می باشد، اهالی این ده عموماً مسلمان و پیرو مذهب تشیع هستند، ولی از مسلمانانی و آداب آن جز نام چیزی باخود ندارند. شغل آنان اغلب زراعت و نگاهداری گاو و گوسفند، و تهیه زغال چوب از درختان جنگلی می باشد. این قریه امروزه مرکز زبان تاتی در قره داغ است. و دیهی است که بر کمره کوه واقع شده و دارای نود خانوار میباشد و همه اهالی آن بدون استثناء بزبان مادری خود تاتی صحبت میکنند. قرائیکه در حوالی کرینگان واقع شده و اهالی آنها هنوز بزبان تاتی آشنائی دارند عبارتند از:

چای کندی - ملک و وینستان که هر کدام بیش از یکی دو فرسخ از دیه کرینگان فاصله ندارند و عموماً در کمره یا نزدیکی قله رشته صعب العبوری از قره داغ قرار دارند. پیر مرد شصت ساله ای که من برای فرا گرفتن این لهجه اجیرش کرده بودم میگفت من تا ایام بچگی را بخاطر میآورم بسیار تعجب میکنم، چه چهل و پنجاه سال پیش که اهالی این محال با شهرها چندان مراوده نداشتند بیشتر قراء نزدیک به کرینگان جز بزبان تاتی صحبت نمیکردند و چه بسا از اهخاص یافت میشدند که اصلاً زبان ترکی را بلد نبودند، ولی در عرض این نیم قرن اوضاع تغییر یافت و با سرعت هر چه تمامتر زبان ترکی جانشین زبان تاتی شد و هم اکنون این عمل باندازه ای با سرعت انجام میگردد، که بیم آن میرود تا پنجاه سال دیگر این زبان از کرینگان و چند قریه

نزدیک آن نیز بکلمی رخت بر بندد.

کلمه تات

تاجائیکه بنده امکان مراجعه پیدا کرده‌ام، فرهنگ نویسان زبان پارسی بادر کتاب خود بلغت تات عنایتی نکرده‌اند و بسادر صورت عنایت معنی آن کلمه بکلمی با «تات» مورد بحث ما مغایر و بیگانه بوده است. ولی این عمل عدم توجه آنان بکلمه‌ای چون «تات» دال بر عدم، و یا بدون معنی بودن آن نمی‌باشد. چه بیشتر این فرهنگ نویسان بکلمه آران نیز توجه نکرده و از نظر دور داشته‌اند و فقط پاره‌ای از آنان در کتب خود «آران» را ذکر و در مقابل آن جمله‌ای بدین مضمون نوشته‌اند: «نام محلی است، یا نام محلی است در شمال آذربایجان، و دیگر از این حد تجاوز نکرده‌اند در صورتیکه آران به معنی سرزمین آفتابی و آفتابگیر است و تنها اسم خاص نبوده، بلکه به تمام قراء و نواحی گرمسیر اطلاق میشود و هم اکنون در خود آذربایجان مصطلح است. کلمه تات نیز مانند (آران) لغتی است که هم اسم خاص و هم دارای معنی عام میباشد. و از ده‌ها قرن پیش در آثار نویسندگان بزرگ بکار برده شده است.

۱- محمود بن الحسین بن محمد کاشغری در (دیوان لغات الترك) که تألیف آن در سال ۴۶۶ هجری پایان یافته در صفحه ۲۹۲ مجلد اول در ضمن کتاب الاسماء (ابواب ثلاثی) زیر عنوان برك - (بضم اول و سکون ثانی و نالغ) مینویسد:

« برك = القلنسوة، وفي المثل: تات سبز ترك بلماس - باش سبز برك بلماس
معناه: لا یخلو الترك من الفارسی، كما لا یخلو القلنسوة من رأس، یعنی (بدون ایرانی ترك و بدون سر کلاه نمیشود). در این عبارت محمود کاشغری «تات» را بمعنی ایرانی ترجمه کرده است.

۲- در کتاب داستان دده قورقود که بزبان غزی در حدود نه قرن پیش تألیف یافته، مؤلف در ضمن حکایت اول (درسه خان اوغلی بقاج خان حکایه سی - ص ۶ الی ۲۱ چاپ استانبول ۱۳۳۲ ه. ش) موقعیکه میخواهد کیفیت طلوع فجر و پیدایش صبح صادق و بانك نماز برداشتن يك نفر ایرانی مسلمان را شرح دهد، مینویسد: «اوزون سقاللی ناتاری بانلادیقدا» یعنی «مرد ایرانی ریش درازی در حال اذان دادن، بطوریکه ملاحظه میشود در این جا نیز تات بمعنی ایرانی مسلم استعمال شده است.

۳- مرحوم استاد ملك الشعراء بهار در صفحه (۵۰) جلد سوم سبک شناسی در ضمن بحث از سبک و لغات طبقات ناصری راجع بکلمه «تات» که در آن کتاب بسیار

بکار برده شده، مینویسد: «در این کتاب (طبقات ناصری) لغات مغولی برای بار اول داخل زبان فارسی شده است و لفظ مغول نیز شنیده میشود و کلمه «تات» بمعنی «تازی» و «تاجیک» یعنی فارسی زبانان در این کتاب دیده میشود...» و سپس علامتی گذاشته در حاشیه همان صفحه مینویسد: «ایرانیان از قدیم مردم اجنبی «تاجیک» یا «تازی» (تازی) میگفته اند چنانکه یونانیان (بربر) و اعراب (عجمی) یا (عجم) گویند. این لفظ در زبان دری تازه (تازی) تلفظ شد و رفته رفته خاص اعراب گردید، ولی در توزان و «اوراء النهر» لهجه قدیم باقی و با جانب «تاجیک» میگفتند. و بعد از اختلاط ترکان (آلتائی) با فارسی زبانان آن سامان لفظ «تاجیک» بهمان معنی داخل زبان ترکی شد و فارسی زبانان را «تاجیک» خواندند، و این کلمه بر فارسیان اطلاق گردید، و ترک و تاجیک گفته شد. از گفتار بالا نیز معلوم میشود که تات بمعنی «تاجیک» و «پارسی» و عبارت دیگر (ایرانی) میباشد. ناگفته نماند که اختلاف ترک و تاجیک، و «تات» و «تات» آنروز که از مطالعه کتب: دیوان لغات الترك کاشغری - داستانهای دده قورقود - و نزهت القلوب حمدالله مستوفی و غیره مستفاد میشود، امروزه نیز با وجود شیوع و رواج کامل زبان ترکی در اغلب نقاط آذربایجان میان روستائیان موجود است، و هر یک دیگری را بانسبت بتات و یا ترک تعییر میکنند، و از این نقاط میتوان مجال (اوجان) و (هشترود) را نام برد.

۴- شمس الدین سامی مؤلف (قاموس ترکی) درستون دوم صفحه (۲۷۰) زیر عنوان «تات» مینویسد: «تات - اسکی تر کلرین کندی حکم لری آلتنده بولونان برلرده اسکی ایرانی و کردلره و بردیکلری اسم اولرب مقام تحقیرده قورلانیلیردی - یعنی تات اسمی زوده که ترکان قدیم بایرانیان و اکراد قدیمی که زیر سلطه خود داشتند میدادند و این کلمه در مقام تحقیر استعمال میشد.»

۵- در شعر ذیل که بین عوام الناس مخصوصا بچه ها مشهور است، تات بمعنی مردی آبادی نشین و زراعت پیشه استعمال شده است:

داغدان آما داشیدیم	«اوشودوم، ها، اوشودوم
تات منه داری و بردی	گوموشی ویردیم تاتا
قوش منه قانات و بردی	دارینسی سپیدیم قوشا
حق قاپوسان آچماقا،	قانادلانسدیم اوچماقا.

یعنی: سیم را بتات دادم و ارزن گرفتم، ارزن را بمرغ دادم، مرغ برای من بال و پر داد، پر پرواز گشودم تا در حق را باز کنم.

۶- در این مثل مشهور: «بوسوز هیچ تاتین کتابندا بوخدر» یعنی این حرف در کتاب هیچ تات نیست، کلمه تات به معنی شخصی دانشمند و اهل کتاب بکار برده شده است.

۷- از هر فرد روستائی یا ایلات آذربایجان پرسید: تات یعنی چه؟ بیدربک میگوید: «تات یعنی تخته قابو = آبادی نشین» پس بطور کلی از مراتب مزبور باین نتیجه میرسیم که تات کلمه‌ای بوده بجای تاجیک که لااقل از ده قرن پیش از طرف ترکان بیابانگرد بیسواد بایرانیان قدیم شهر یگر و کشاورز و دانشمند اطلاق میشده است. و زبان تاتی لهجه‌های مختلف زبان ایرانیان قدیم را میگفته‌اند.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ترجمه و انبساط آقای نهارندی

زندگي و مرگ ستارگان آسمان

ترقیاتی که علم نجوم از ابتدای این قرن نموده بما اجازه میدهد که در باره عالم خودمان تصورات صحیح تری بنمائیم. چه با دوربین‌های نجومی فعلی با ۵ متر قطر توانسته‌ایم حجمی بشعاع ۱۰۰۰۰ میلیارد کیلو متر یا یکمیلیارد سال نوری را در مخلیه خود وارد نمائیم. این حجم پر است از سحابیهای بی‌نهایتی که میتوان آنها را دید (حالیه ۵۰ میلیون از نوع آنها را شمرده‌اند) این سحابیها منظره یکصدسی پهنی را دارند که دارای دو یا چندین بازوی بشکل Spiralé حلزونی شکل میباشد. بهمین میاسبت بنام سحابیهای حلزونی شکل نامیده شده‌اند یا پیچی شکل) آنها هر يك از میلیاردها ستاره‌هاییکه بیکدیگر بنظر ما فشرده شده‌اند و هر کدام دارای وزن و کثافت و شکل مشخصی میباشد و باهم بشکل سحابیهای متشعشع بادرخشنده یا تاریک بنظر ما آمده یا بشکل توده‌هایی از گلوله‌های انباشته در یکجا دیده میشوند که در